



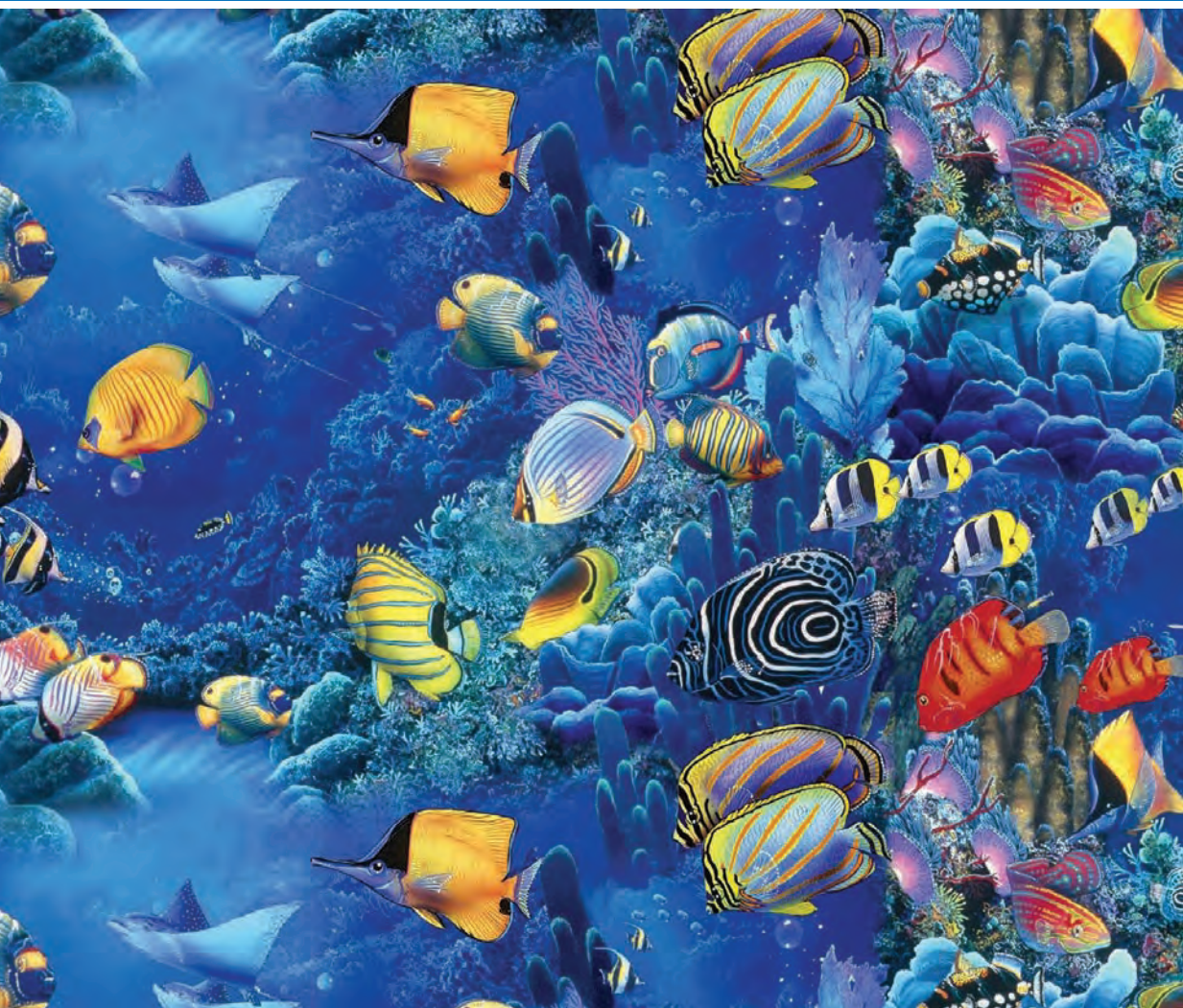
انجام دادند

الدَّرْسُ الثَّامِنُ (فعل ماضی: فَعَلُوا، فَعَلْنَا، فَعَلْنَا)

درس هشتم

هَيَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ ﴿﴾ از دعای جوشن کبیر

ای آنکه شگفتی هایش در دریاهاست



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۰ کلمه)

تور شَبَكَةٌ كَبِيرَةٌ: توری بزرگ	شَبَكَةٌ:	لبخند	إِبْتِسَام:
دانست عَلِمَ أَنْ: دانست که	عَلِمَ:	بلکه	بَلْ:
پس	فَ:	آمد آمدند	جاءَ: فعل ماضی جاؤوا:
زشت	قَبِيحٌ:	بسیار	جِدًّا:
انداخت او را انداختند «قَدَفُوا + ها»	قَدَفَ:	غمگین	حَزِينٌ: مسرور ≠
ولی	لِكِنَّ:	ترسید	خَافَ: فعل ماضی
آب ها آب «جمع: میاه»	ماء:	ترسیده، ترسان	خَائِفٌ:
نگاه کرد نگاه کردند	نَظَرَ:	رفته	ذَاهِبٌ: فعل ماضی
تنها	وَحِيدٌ:	ماهی ها ماهی «جمع: أَسْمَاكُ» سَمَكَةٌ: ماهی	سَمَكٌ:
فرار کرد	هَرَبَ:	سنگ ماهی	سَمَكَةٌ حَجَرِيَّةٌ: فعل ماضی

زیبایی درون زینَةُ الْبَاطِنِ



كَانَتْ فِي بَحْرِ كَبِيرٍ سَمَكَةٌ قَبِيحَةٌ اسْمُهَا «السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ» وَ كَانَتْ الْأَسْمَاكُ جَانِمَاتٍ
 در دریایی بزرگه ماهی زشتی بود که اسمش سنگ ماهی بود و ماهی ها از آن ترسان بودند (می ترسیدند).
 مِنْهَا. هِيَ ذَهَبَتْ إِلَى سَمَكَتَيْنِ؛ السَّمَكَتَانِ خَافَتَا وَ هَرَبَتَا. هِيَ كَانَتْ وَحِيدَةً دَائِمًا.
 او به سوی دو ماهی رفت؛ دو ماهی ترسیدند و فرار کردند او همیشه تنها بود.
 فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، خَمْسَةَ مِنَ الصَّيَادِينِ جَاؤُوا. فَقَدَفُوا شَبَكَةً كَبِيرَةً فِي الْبَحْرِ.
 در روزی از روزها، پنج نفر از صیادها آمدند و تور بزرگی را در دریا انداختند.
 الْأَسْمَاكُ وَقَعْنَ فِي الشَّبَكَةِ. مَا جَاءَ أَحَدٌ لِلْمُسَاعَدَةِ. السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ سَمِعَتْ أَصْوَاتَ
 ماهی ها در تور افتادند. کسی برای کمک نیامد. سنگ ماهی صدای ماهی ها را شنید.
 الْأَسْمَاكُ.

فَنَظَرَتْ إِلَى الشَّبَكَةِ فَحَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ. قَطَعَتْ شَبَكَةَ الصَّيَادِينِ بِسُرْعَةٍ.
 پس به تور نگاه کرد و ناراحت شد و برای نجات ماهی ها رفت. پس به سرعت تور صیادان را برید.
 الْأَسْمَاكُ خَرَجْنَ وَ هَرَبْنَ جَمِيعًا. فَوَقَعَتْ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ فِي الشَّبَكَةِ وَ الصَّيَادُونَ
 ماهی ها خارج شدند و همگی فرار کردند. پس سنگ ماهی در تور افتاد و صیادها او را گرفتند.
 أَخَذُوهَا. كَانَتْ الْأَسْمَاكُ حَزِينَاتٍ؛ لِأَنَّ السَّمَكَةَ الْحَجْرِيَّةَ وَقَعَتْ فِي الشَّبَكَةِ لِنَجَاتِهِنَّ.
 ماهی ها ناراحت بودند. زیرا سنگ ماهی به خاطر نجات آنها در تور افتاد.
 الْأَسْمَاكُ نَظَرْنَ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَادِينِ. هُنَّ أَخَذُوا السَّمَكَةَ وَ لَكِنَّهُنَّ قَدَفُوها فِي الْمَاءِ؛
 ماهی ها به کشتی صیادان نگاه کردند. آنها گرفتند ماهی را (سنگ ماهی را) اما او را در آب انداختند.
 لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً جَدًّا فَخَافُوا مِنْهَا. الْأَسْمَاكُ فَرَحْنَ لِنَجَاتِهَا وَ نَظَرْنَ إِلَيْهَا بِاِبْتِسَامٍ
 زیرا واقعا زشت بود و از او ترسیدند. ماهی ها به خاطر نجاتش خوشحال شدند و با لبخند به او نگاه کردند
 وَ عَلِمْنَ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ جَمَالِ الظَّاهِرِ.
 و دانستند که زیبایی درون بهتر از زیبایی ظاهر است.

قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.»

امام علی (ع) فرموده است: زینت (زیبایی) درون بهتر از زینت ظاهر است.



هُنَّ نَظَرْنَ.
آنها نگاه کردند



هُم لَعِبُوا.
آنها بازی کردند



هُمَا كَتَبَتَا.
آنها نوشتند



هُمَا وَقَفَا.
آنها ایستادند

به جمله‌های عربی



سوم شخص جمع (جمع مذکر) هُم: آنها

طریقه ساختن ← ریشه سه حرفی فعل+شناسه (وا) = سوم شخص جمع (جمع مذکر)

مثال 1	ذَهَبَ + وا	هُم ذَهَبُوا
ترجمه فارسی	رفت + ند	آنها رفتند
مثال 2	رَجَعَ + وا	هُم رَجَعُوا
ترجمه فارسی	برگشت + ند	آنها برگشتند

هُم فَعَلُوا جمع مذکر غایب

سوم شخص جمع (جمع مؤنث) هُنَّ: آنها

طریقه ساختن ← ریشه سه حرفی فعل+شناسه (ن) = سوم شخص جمع (جمع مؤنث)

مثال 1	ذَهَبَ + ن	هُنَّ ذَهَبْنَ
ترجمه فارسی	رفت + ند	آنها رفتند
مثال 2	رَجَعَ + ن	هُنَّ رَجَعْنَ
ترجمه فارسی	برگشت + ند	آنها برگشتند

هُنَّ فَعَلْنَ جمع مؤنث غایب

سوم شخص جمع
شما انجام دادید.

هُمَا فَعَلَا مثنیٰ مذکر غایب

سوم شخص جمع (مثنی مذکر) هُما: آن دو

طریقه ساختن ← ریشه سه حرفی فعل+شناسه (ا) = سوم شخص جمع (مثنی مذکر)

مثال 1	ذَهَبَ + ا	هُمَا ذَهَبَا
ترجمه فارسی	رفت + ند	آنها رفتند
مثال 2	رَجَعَ + ا	هُمَا رَجَعَا
ترجمه فارسی	برگشت + ند	آنها برگشتند

هُمَا فَعَلَا مثنیٰ مؤنث غایب

سوم شخص جمع (مثنی مؤنث) هُما: آن دو

طریقه ساختن ← ریشه سه حرفی فعل+شناسه (تا) = سوم شخص جمع (مثنی مؤنث)

مثال 1	ذَهَبَ + تا	هُمَا ذَهَبَتَا
ترجمه فارسی	رفت + ند	آنها رفتند
مثال 2	رَجَعَ + تا	هُمَا رَجَعَتَا
ترجمه فارسی	برگشت + ند	آنها برگشتند

التمارين

١ التمرين الأول:

با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

صحیح

١. كَانَتْ تِلْكَ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ وَحِيدَةً.

آن سنگ ماهی تنها بود

صحیح

٢. أَلَسَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ.

سنگ ماهی برای نجات ماهی ها رفت

نادرست

٣. كَانَتْ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ صَغِيرَةً وَ جَمِيلَةً.

سنگ ماهی کوچک و زیبا بود

نادرست

٤. أَلصَّيَادُونَ مَا خَافُوا مِنَ السَّمَكَةِ الْحَجْرِيَّةِ.

صیادها از سنگ ماهی نترسیدند

٢ التمرين الثاني:

با توجه به متن درس به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

(پنج)

خمسة

١. كَمْ صَيَادًا كَانَ فِي السَّفِينَةِ؟

چند صیاد در کشتی بودند

(صیادها)

صیادون

٢. مَنْ قَذَفَ الشَّبَكَةَ فِي الْمَاءِ؟

چه کسی تو را در آب انداخت؟

(در تور)

في الشبكة

٣. أَيْنَ وَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ؟

سنگ ماهی کجا افتاد؟

(نه)

لا

٤. هَلْ زِينَةُ الظَّاهِرِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الْبَاطِنِ؟

آیا زیبایی ظاهر بهتر از زیبایی درون است؟

۳ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

ترجمه کنید.

عَرَفَ: شناخت	هُنَّ عَرَفْنَ: آنها شناختند	سوم شخص جمع (مونث)
هَرَبَ: فرار کرد	الْوَالِدَانِ هَرَبَا: دو پسر فرار کردند	سوم شخص جمع (مثنی مذکر)
عَلِمَ: دانست	الطَّالِبَاتُ مَا عَلِمْنَ: دانش آموزان ندانستند	سوم شخص جمع (مونث)
سَلِمَ: سالم ماند	هُنَّ سَلِمْنَ: آنها سالم ماندند	سوم شخص جمع (مونث)
قَدَفَ: انداخت	أَنْتُمْ قَدَفْتُمْ: شما انداختید	دوم شخص جمع (مثنی)
وَقَعَ: افتاد	الطِّفْلَةُ وَقَعَتْ: کودک افتاد	سوم شخص مفرد (مونث)
نَظَرَ: نگاه کرد	هُمْ مَا نَظَرُوا: آنها نگاه نکردند	سوم شخص جمع (مذکر)
نَصَرَ: یاری کرد	الرِّجَالُ مَا نَصَرُوا: مردان یاری نکردند	سوم شخص جمع (مذکر)
قَطَعَ: بُرید	أَنْتُمْ مَا قَطَعْتُمْ: شما نبریدید	دوم شخص جمع (مثنی)
عَبَرَ: عبور کرد	أَنْتُمْ عَبَرْتُمْ: شما عبور نکردید	دوم شخص جمع (مونث)
ضَرَبَ: زد	هُمَا مَا ضَرَبَا: آنها نزدند	سوم شخص جمع (مثنی مونث)
ذَكَرَ: یاد کرد	الْبَنَاتُ ذَكَرْنَا: دو دختر یاد کردند	سوم شخص جمع (مثنی مونث)

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- | | | | |
|---------------------------|---|-----------|------------|
| ۱. هُوَ لَا الصَّادُونَ | این صیادها توری را در دریا انداختند | قَدَفُوا | انداختند |
| ۲. أُولَئِكَ الْبَنَاتُ | آن دختران برای کمک به مادر بزرگشان رفتند | ذَهَبَتْ | رفتند |
| ۳. هَذَانِ الْوَالِدَانِ | این دو پسر برای گرفتن هدیه ها ایستاده اند | وَقَفَا | ایستادند |
| ۴. هَاتَانِ الْمَرَاتَانِ | این دو دختر پرچم ایران را بالا بردند | رَفَعَتَا | بالا بردند |
| ۵. كَانَتْ زَهْرَاءُ | زهرا به کلاسش رفته بود | ذَاهِبًا | رفته |



كانال عربى متوسطه عيوضى

كانال عربى متوسطه



0 تا 100 عربى

كانال آموزش



arabi_7_8_9

كانال عربى متوسطه عيوضى

كانال عربى متوسطه عيوضى